

■ **هاشمی در گذشت و امروز در دنیا نیست تا مشاهده کند با مسیر تحولات آتی جهان و مسلط شدن مجدد نگاه نظامی و امنیتی برای پاسداری از منافع کشورها هر روز میزان بی‌اعتباری گزاره‌های او و اصلاح‌طلبان بیش از پیش آشکار می‌شود**



با تغییر نظم بین‌الملل که پس از جنگ او کراین اتفاق افتاده بی‌اعتباری باورهای بین‌المللی اصلاح‌طلبان بیش از پیش نمایان شده‌است

مرگ تدریجی یک توهم

حسین کیامتنش: با آغاز جنگ روسیه و اوکراین از ۵ اسفند سال گذشته، تصویر جدیدی از نظام بین‌الملل در حال نمایان شدن است. در عصری که همه فکر می‌کردند دیگر دوران نظامی‌گری و استفاده از زور منقضی شده و با پایان دوران جنگ سرد، دیگر موضوعیتی ندارد، جنگ اوکراین باعث شد نظم بین‌المللی لاجرم به سمت تغییر و تحول برسد. برخی کشورها افزایش بودجه نظامی خود را در دستور کار قرار داده و برخی دیگر، به فکر احیای قدرت نظامی - دفاعی خود افتاده‌اند.

به عبارت دیگر، دنیا به این نتیجه رسیده است که دیگر سخن گفتن از صلح و جهان‌عاری از زور و خشونت معنایی ندارد و این قدرت نظامی و تسلیحاتی است که امنیت ملی هر کشور و ملتی را تضمین می‌کند. با این وجود اصلاح‌طلبان - جریان غرب‌گرا در ایران - قادر به درک و فهم شرایط حاکم بر دنیا نیستند، آن هم در شرایطی که جنگ اوکراین و همچنین بالاگرفتن تنش‌های نظامی در برخی نقاط جهان، بی‌اعتباری تصورات و تحلیل‌های غرب‌گرایان را بیش از پیش نمایان کرده است. اساساً دوم‌خردادی‌ها اعتقادی به امنیت و منافع ملی ندارند و در برهه‌هایی از تاریخ نیز با اظهارات و مواضع‌شان، بر بیگانگی خود با امنیت ملی صحنه گذاشته‌اند؛ موضوعی که شفاف‌ترین و صریح‌ترین آن سال ۹۵ از سوی هاشمی‌رفسنجانی اتخاذ شد. چند ماه پیش از فوت اکبر هاشمی‌رفسنجانی و در ایام یکه‌تازاری روایت‌های دولت روحانی درباره تحولات آینده جهان بود که رئیس اسبق مجمع تشخیص

دولت حسن روحانی و حامیان اصلاح‌طلبش قدرت نظامی کشور را ممانعی برای تقویت جایگاه ایران در نظم بین‌المللی موجود می‌دانستند و اعتقاد داشتند برای جلب رضایت غربی‌ها، باید قدرت نظامی را کنار گذاشت و از همین روز نیز هر آنچه مربوط به حوزه نظامی می‌شد را به عنوان تهدیدی برای نیل به این هدف تشخیص می‌دادند. اساساً در نظر دولت قبل و اصلاح‌طلبان، قدرت نظامی مانع گفت‌وگو با غرب بود. تخریب و تحقیر قدرت نظامی کشورمان نیز که بارها از سوی همین راستا بود

دلسوزان و معلمان باید وارد این فضا شوند؛ مطمئنم دوره دوم دولت روحانی می‌تواند ما را به آنجا برساند». پس از انعقاد برجام در تیر ۹۴، اصلاح‌طلبان برای خوشامد بیشتر غرب به دنبال برجام‌های بعدی بودند؛ برجام‌هایی که این بار قرار بود ایران را به لحاظ قدرت نظامی و دفاعی خلع سلاح کند و حمله هاشمی‌رفسنجانی به نیروهای نظامی کشورمان نیز در جهت آماده‌سازی اذهان جامعه برای انجام مذاکره بر سر قدرت نظامی بود. چنانکه پیش از ایراد این سخنان از سوی هاشمی، حساب تونیتری متعلق به وی در شبکه اجتماعی توییتر از زبان هاشمی نوشت: دنیای فردا، دنیای گفتمان‌هاست، نه موشک‌ها. هاشمی رویای خلع سلاح ایران را در سر داشت اما عمرش آنقدر کفاف نداد تا از وضعیت فعلی آلمان و ژاپن در ارتباط با حوزه نظامی صحبت کند یا اینکه به نظاره تغییر نظم بین‌الملل بنشیند. هاشمی درگذشت و امروز در دنیا نیست تا مشاهده کند با مسیر تحولات آتی جهان و مسلط شدن مجدد نگاه نظامی و امنیتی برای پاسداری از منافع کشورها، هر روز میزان بی‌اعتباری گزاره‌های او و اصلاح‌طلبان بیش از پیش آشکار می‌شود. دردآور برای اصلاح‌طلبان و هاشمی اینکه مثال‌های مطلوب هاشمی هم به ادعاهای آنها وفادار نماندند و در نخستین مورد خرداد امسال آلمان قانون اساسی خود را تغییر داد تا بودجه دفاعی ویژه مبتنی بر اعتباری با ارزش بیش از ۱۰۷ میلیارد دلار را تصویب کند. ژاپن به عنوان دیگر شاهد مثال رفسنجانی برای حمله به نیروهای نظامی نیز بی‌اساس بود گزاره‌های طرح شده از سوی وی را آشکار کرد.

بر همین اساس وزارت دفاع ژاپن اواخر هفته گذشته درخواست بودجه ۴۰ میلیارد دلاری خود را با برجسته کردن نگرانی‌های موجود درساره تحرکات چین در تنگه تایوان و وقوع جنگ اوکراین به عنوان «سخت‌ترین چالش‌ها»ی جهان از زمان جنگ دوم جهانی ارائه کرد. در بیانیه این وزار تخانه با بیان اینکه «آنچه در اروپا در حال وقوع است، می‌تواند در منطقه هند و اقیانوسیه نیز رخ دهد» بر لزوم افزایش بیش از پیش بودجه نظامی این کشور تأکید شده است. ساخت و تأمین پهپادهای مسلح و توسعه تحقیقات برای ساخت موشک‌های مافوق صوت و ساخت و توسعه یک موشک کروزر و یک موشک بالستیک با سرعت بالا از موارد مورد تأکید وزارت دفاع ژاپن است که با اشاره به تهدیدات روسیه و چین به آنها توجه شده

است. وزارت دفاع ژاپن همچنین ۸۶ میلیارد ین در بودجه سال آتی برای تولید نخستین جت جنگنده داخلی در طول ۳ دهه کنار گذاشته است.

■ **تهدیدانگاری قدرت نظامی کشور**

اما تفکر هاشمی تنها بخشی از پازل جریان غرب‌گرا برای کنار گذاشتن قدرت نظامی کشور بود. دولت حسن روحانی و حامیان اصلاح‌طلبش، اصولاً قدرت بین‌المللی کشور را مانعی برای تقویت جایگاه ایران در نظم بین‌المللی موجود می‌دانستند و اعتقاد داشتند برای جلب رضایت غربی‌ها، باید قدرت نظامی را کنار گذاشت و از همین رو نیز هر آنچه مربوط به حوزه نظامی می‌شد را به عنوان تهدیدی برای نیل به این هدف تشخیص می‌دادند. اساساً در نظر دولت قبل و اصلاح‌طلبان، قدرت نظامی مانع گفت‌وگو با غرب بود. تخریب و تحقیر قدرت نظامی کشورمان نیز که بارها از سوی اصلاح‌طلبان شاهد آن بودیم، در همین راستا بود.

به طور مثال جواد ظریف آذر ۹۲ در دانشگاه تهران حاضر شد و در سخنانی ناپخته با تحقیر قدرت نظامی و موشکی ایران اظهار کرد: «غربی‌ها از ۴ تا تانک و موشک ما نمی‌ترسند، از مردم ایران می‌ترسند. آیا فکر کردید آمریکا که می‌تواند با یک بمب، تمام سیستم دفاعی ما را از کار ببردازد، از سیستم دفاعی ما می‌ترسد؟ آیا واقعا به خاطر قدرت نظامی، آمریکا جلو نمی‌آید؟» البته اظهار نظر وزیر امور خارجه روحانی بی‌پاسخ نماند و رهبر حکیم انقلاب اسلامی در جمع اساتید و نخبگان دانشگاه‌های سراسر کشور و در واکنش به تحقیر قدرت نظامی ایران از سوی ظریف فرمودند: «یک وقتی یکی از مسؤولان کشور درباره مسائل نظامی یک نظری داده بود که خب! مطابق واقع نبود؛ بنده گفتم یک «تور نظامی» برای مسؤولان کشور قرار بدهید؛ بیايند یک خرده‌ای در محیط‌های نظامی گردش کنند، حقایقی را، واقعیتاتی را ببینند، معلومات‌شان نسبت به موجودی نظامی کشور بالا برود».

در کنار تحقیر، اصلاح‌طلبان برای تخریب قدرت نظامی، انتقاد از دستاوردهای حوزه نظامی را نیز در دستور کار خود قرار داده بودند. در ایام انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ بود که حسن روحانی در مناظرات انتخاباتی با گره زدن دستاوردهای نظامی کشور به برجام گفت: «آنجایی که خواسته‌ایم برجام را به هم بزنیم، دیدیم چکار کردند؛ آمدند چگونه شهرهای زیرزمینی نشان دادند تا برجام را به هم بزنند؛ روی موشک شعار نوشتند تا برجام را به هم بزنند؛ برای اینکه ما توانیم ۱۰۰ درصد استفاده کنیم.» این سخنان روحانی واکنش ستاد کل نیروهای مسلح را در پی داشت. مسعود جزایری، سخنگوی وقت نیروهای مسلح به اظهارات روحانی پاسخ داد و گفت: «رتقای توان

رفتار سرد دولت روحانی با چین به سفر شی‌چین بینگ، رئیس‌جمهور این کشور به تهران بازمی‌گردد. در جریان سفر رئیس‌جمهور چین به ایران که سال ۹۴ انجام شد، حسن روحانی با خیال ورود گسترده غربی‌ها به اقتصاد ایران مواجهه سردی با او داشت و عملاً گسترش همکاری با شرق، به پای ارتباط ناموجود با غرب ذبح شد که در این رابطه می‌توان به حاشیه‌رفتن سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین را که سال ۹۴ امضا شده بود، برشمرد. شرق‌ستیزی و به‌عبارت بهتر مخالفت اصلاح‌طلبان با هرگونه تعامل با کشورهای غیرغربی را در دولت سیزدهم نیز می‌توان مشاهده کرد. حملات رسانه‌های اصلاح‌طلب به احیای رابطه ایران با چین و همچنین گسترش همکاری ایران با روسیه، نمونه‌های بارزی جهت اثبات این موضوع است.

■ **آمریکادوستی بی‌انته‌ا**

حسن روحانی و اصلاح‌طلبان در سال‌هایی که قدرت را در دست داشتند، آنقدر در آمریکادوستی پیش‌رفته بودند که در مواجهه با خروج آمریکا از برجام در سال ۹۷، با توهم اینکه آمریکا به توافق بازمی‌گردد، نیازی به واکنش از سوی ایران نمی‌دیدند. به همین دلیل است که اصلاح‌طلبان همچنان به قانون هسته‌ای مجلس حمله کرده و آن را مانع توافق می‌دانند؛ این در حالی است که ابتکار عمل و واکنش ایران باعث شد دولت بایدن ضمن حضور پای میز مذاکره برای احیای برجام، از ورود موضوعات جدید و غیر هسته‌ای به برجام که در دوران ترامپ آن را دنبال می‌کرد، منصرف شود.

■ **قهرمان‌سازی‌های فیک در دنیای واقعی**

اصلاح‌طلبان همواره جلسودار حمله به جریان مقاومت بوده و هستند و از برادر رئیس دولت اصلاحات تا دختر هاشمی‌رفسنجانی بارها خط تخریب مقاومت را دنبال کرده‌اند. جدا از بیگانگی با امنیت ملی که از این حملات پیداست، اصلاح‌طلبان نشان داده‌اند تا اتفاقاتی که در دنیا رخ می‌دهد نیز بیگانه‌اند. اصلاح‌طلبان هر قدر در تخریب و حمله به محور مقاومت در برابر تکفیری‌های مورد حمایت غرب و رژیم صهیونیستی کوشیده‌اند، همانقدر نیز طرفدار نسخه فیک مقاومت که ریشه در تفکرات غربی دارد بوده‌اند و سعی داشته‌اند با قهرمان‌سازی از چهره‌های وابسته به غرب، در مقابل قهرمان‌های بی‌بدیلی مثل شهید سلیمانی، دست به اسطوره‌سازی فیک بزنند. به طور مشخص «ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین و پیش‌تر از او، «احمد مسعود» در افغانستان، از جمله افرادی هستند که جریان اصلاحات در صدد قهرمان‌سازی از آنها بودند. یک سال قبل که طالبان در پی خروج آمریکا از افغانستان به دنبال قبضه قدرت در افغانستان بود و احمد مسعود داعیه مقاومت در برابر طالبان را داشت، اصلاح‌طلبانی که روزگاری شعار «نه غزه، نه لبنان» و «جراحی که به خانه رواست به مسجد حرام است» را در راستای مخالفت خود با حضور ایران در سوریه سر می‌دادند، شروع به بیانیه‌خوانی در حمایت از پنجشیر کردند و برای جبهه‌ای کفن‌پوش شدند که دل در گرو آمریکایی‌ها داشت.

محمد قوچانی، سردبیر وقت روزنامه سازندگی نوشت: «باید افغانستان را دست‌بیسته تحویل طالبان بدهیم. باید ائتلاف سیاسی «عبدالله-کزی» و نیروی مقاومت «احمد مسعود» را تقویت کنیم». عمادالدین باقی هم شهرویر پارسال در بحبوحه حوادث افغانستان

در یادداشتی نوشت: «راه رهایی از شر تروریسم از پنجشیر می‌گذرد. آینده امن برای افغانستان و ایران از راه پنجشیر می‌گذرد و شکست پنجشیر شکست افغانستان، ایران، خاورمیانه و راستی آزمایی مدعیان مقاومت بود که ادعای مقاومت‌شان گوش فلک را کر کرده و در حالی که صدها کیلومتر دورتر در سوریه نیروهای مادی و انسانی ایران را به عنوان مقابله با داعش به باد دادند، درباره هموطنان‌مان در کنار گوش‌مان که قربانی تروریست‌های طالبان می‌شدند، نظاره‌گر بودند».

از احمد مسعود یک قهرمان بسازند که خود مسعود در تهران در حال گفت‌وگو

و مذاکره با طالبان بود. دی سال گذشته بود که اخباری مبنی بر دیدار وزیر خارجه طالبان و احمد مسعود در تهران منتشر شد و سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وقت وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران درباره این دیدار گفت: «ایران میزبان گروه‌های مختلف افغانستانی است و در این سفر هم ایران میزبان این گفت‌وگوها بوده و گفت‌وگوهای خوبی بین این رهبران در حال انجام است».

اکتون که یک سال از حضور طالبان در قدرت می‌گذرد و احمد مسعود نیز با این گروه کنار آمده، می‌توان به این موضوع پی برد که اگر خلبانان در افغانستان با خیالیافی‌های اصلاح‌طلبان درگیر ماجرای افغانستان می‌شد، اکتون چه معضلات امنیتی‌ای در مرزهای شرقی کشور برای ایران به وجود آمده بود.

موشکی جمهوری اسلامی در راستای سیاست‌ها و تدابیر کلان نظام در حال انجام است و بنا بر اعترافات صریح استراتژیست‌ها و کارشناسان نظامی و سیاسی داخلی و خارجی، وجود پایگاه‌های زیرزمینی و موشکی یک عامل مهم بازدارندگی دفاعی برابر تهاجمات دشمن قسم‌خورده انقلاب اسلامی و ملت ایران محسوب می‌شود. ما مجدداً به نامزدهای انتخابات دوازدهمین دوره ریاست‌جمهوری تأکید و توصیه می‌کنیم از ورود مناقشه‌آمیز به مسائل مهم و حساس نظامی و دفاعی کشور و دادن آدرس‌های غیرصحيح و نادرست به مردم اجتناب ورزند». در کنار این‌موارد اصلاح‌طلبان همواره با حمله به مدافعان حرم و زیر سوال بردن موفقیت‌های منطقه‌ای ایران، خط تخریب قدرت نظامی کشور را دنبال می‌کنند. در آخرین

مورد، یکی از سران فتنه ۸۸ با انتشار نامه‌ای، ضمن اهانت به شهدای مدافع حرم، از گروهک‌های تکفیری حمایت کرد. البته در طول چند سال گذشته که جریان مقاومت در منطقه به خاطر مبارزه افتخار آفرین با داعش و مقابله با رژیم صهیونیستی در کانون توجهات قرار گرفته، اصلاح‌طلبان همواره در مواضع خود به انتقاد از محور مقاومت و پشتیبانی جمهوری اسلامی از نیروهای مقاومت پرداخته‌اند. دی ۹۹ در ایام سالروز شهادت شهید سلیمانی بود که فازبه هاشمی در گفت‌وگویی که با سایت اصلاح‌طلب انصاف‌نویز داشت، دستاوردهای شهید سلیمانی در منطقه را زیر سوال برد و گفت: «نتیجه عملکرد آقای سلیمانی و ما به عنوان مقاومت که با شد چه گرهی از مشکلات کشور ما باز کرد؟ چه مسیری را برای توسعه باز کرده است؟»

■ **نادیده گرفتن ظرفیت شرق**

بی‌اعتباری ادراک غلط اصلاح‌طلبان از واقعیت‌های بین‌المللی صرفاً محدود به عدم درک رابطه مستقیم قدرت نظامی و امنیت ملی کشورها نمی‌شود. تحلیل‌های اصلاح‌طلبان و مسیری که در طول ۸ سال دولت روحانی پیش‌رفتند، نشان از آن دارد که این‌جریان آنقدر در غرب‌گرایی خود غرق شده است که رستگاری را صرفاً غش در آغوش غرب می‌داند و توجهی به ظرفیت کشورهای غیرغربی ندارد. مواجهه دولت روحانی با چین، شاهد مثال این نکته است. با روی کار آمدن دولت یازدهم که مینای سیاست خارجی را بر مذاکره و کنار آمدن با غرب بنا کرد، «شرق‌ستیزی» در دستور کار روحانی قرار گرفت. نطقه اوج

سر نوشت مبهم خلبان ایرانی هواپیمای ونزولایی کماکان ادامه دارد

بازی سیاسی در آسمان آرژانتین

قضای آرژانتین چه تصمیمی می‌گیرد، من خوشحالم که خیلی از مسؤولان آرژانتینی در مصاحبه‌های‌شان گفته‌اند این افراد هیچ مشکلی ندارند و می‌توانند آرژانتین را ترک کنند. منتظریم دستگاه قضا رسماً نظرها را اعلام کند.

■ **نقش صهیونیست‌ها در توقیف هواپیم‌ا**

حسین قاسمی، فرزند کاپیتان غلام‌رضا قاسمی نیز روز گذشته در گفت‌وگو با فارس به بیان جزئیاتی از دستگیری پدرش پرداخت. وی درباره موقعیت توقیف این هواپیم‌ا گفت: یک سال قبل بود که هواپیمای بوئینگ ۳۰۰-۷۴۷ باری به علت همکاری‌های بین ایران و ونزولا به این کشور فروخته شد. به همین دلیل، پدرم برای آموزش و تعلیم خلبانان از طرف سازمان هواپیمایی کشوری ایران به خدمه ونزولایی وزارت این کشور شد. پدر بنده با توجه به سابقه و تجربیات بالا، یکی از ۲ نفری بود که می‌توانست به عنوان استاد خلبان، مراحل مختلف و نحوه کار با هواپیمای نامبرده را به افراد دیگر آموزش بدهد.

دوشنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۱
وطن‌امروز | شماره ۲۵۷۲

سیاسی

سابقه پروازهای منطقه جنگی در دفاع‌مقدس را دارد و هم سابقه پروازهای تجاری در ایرلاین‌های مختلف را. البته این موضوعی طبیعی است و خلبانان در سراسر جهان پس از بازنشستی از پروازهای نظامی به سوی پروازهای تجاری می‌روند. اکثر خلبانان در آمریکا و سایر کشورها در ابتدا نظامی هستند و پس از بازنشستگی در ایرلاین‌های مختلف مشغول می‌شوند، همانند شرکت‌های مختلف هواپیمایی که در اطراف کشور ما هستند. در واقع هیچ کسی هم نمی‌تواند به خلبانان آمریکایی و انگلیسی و اروپایی بگوید چرا قبل از پروازهای تجاری به پروازهای نظامی مشغول بودید و براحتی در ایران و سایر کشورها اقامت دارند. به هر حال متأسفانه ۸۵ روز قبل همزمان با سفر رئیس‌جمهور ونزولا، رژیم صهیونیستی و آمریکا در صدد ایجاد یک دسته‌آرژانتین برای بر هم زدن روابط ایران و ونزولا بودند. به همین دلیل، این موضوع باعث شد خدمه پرواز مذکور به گروگان گرفته شوند.